

ویژه نهمین سالگرد کانون

بهناسبت

بیست و ششم بهمن ماه

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن با فرارسیدن ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ وارد دهمین سالگرد بنیانگذاری خود شد. نه سال طی شده، سالهای پیکار بی‌وقفه و پرتلاطم کانون همراه با فداکاریهای بی‌دریغ فرزندان راستین خلق ترکمن بود. این نه سال مبارزه، علیرغم تمامی فراز و نشیب‌های خود، بحق یکی از دوره‌های پرفراز و افتخار جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن بوده، شایسته بالندگی نسلهای آینده و مایه سربلندی طلایه داران آن است. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن که از دل توده‌ها برخاسته و در اوج شور انقلابی خلق بنیانگذاری شده بود، به اعتبار همین پشتوانه توده‌ای و اهداف روشن و خلقی خود، در اندک مدتی به سازمان سراسری ترکمنستان ایران تبدیل شده، قدرت سیاسی در منطقه را در دست گرفت. این برای نخستین بار بود که یک سازمان سیاسی، در راستای اهداف مشخص خویش، از طریق شورا‌های مردمی و سایر تشکلهای توده‌ای یکسال تمام در ترکمنستان ایران اعمال حاکمیت کرده بود. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بدنبال یورش خونین رژیم قرون وسطایی خمینی و سرکوب خلق ترکمن بوسیله نیروهای مسلح این رژیم، قریب بقیه در صفحه ۱۱

پیام

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

۲۶ بهمن ۱۳۵۷ نقطه عطفی است انقلابی خلق ترکمن وارد فاز نوینی گردید و در تاریخ جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن در این روز بود که انقلابیون ترکمن متسلل شدند و کانون چون سازمانی برای نخستین بار در تاریخ مبارزاتی توده‌ای و فراگیر آنها را در جهت برآوردن خویش، سازمان انقلابی خلق خود، یعنی آرمان دیرینه خلق خویش نمایندگی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را رهبری کرد. بنیانگذارند. با تشکیل کانون، جنبش کانون از بدو بنیانگذاری خود، بمشابه بقیه در صفحه ۷

بهناسبت دوریبه ندان

تاریخ خلقهای ایران مشحون از مبارزات حق طلبانه و قهرمانانه است. این مبارزات علیرغم انگیزه و ویژگیهای متفاوت خود، هدف حق تعیین سرنوشت خویش را فرا روی خود قرار داده‌اند. خلقهای ساکن ایران که همواره مورد ظلم و تعدی بوده‌اند، با روی کار آمدن رضا خان شاهد تبدیل ستم ملی سیاست رسمی دولتی بودند. ستم ملی مقارن با حکومت رضا خان بعدی نوین یافت و "سیاست آقایی فارسها بر سایر اقلیتها و حکومت ناسیونالیسم فارس بسرکردگی فنودالها و بورژواهای فارس بر سراسر نقاط مسکونی خلقهای مختلف مسلط بقیه در صفحه ۹

گزارش از ترکمنستان ایران

روز با پوستهای رنگارنگ و اعلامیه‌های جنگ : داسر جنگ هر روز که میگذرد با شدت بیشتری، هستی و زندگی مردم را بیرحمانه درو میکند. در منطقه، تمامی نهادها و ارگانهای حکومتی، به مبلغین جنگ و چپاول کنندگان هستی مردم تبدیل شده‌اند. کمیته و سپاه و جهاد و... هر روز با پوستهای رنگارنگ و اعلامیه‌های گوناگون در جهت جذب نیرو و کمک مالی به جبهه‌ها تلاش می‌ورزند. بعد از اطلاعیه ده ماده‌ای شورای عالی پشتیبانی جنگ، این روند شتاب بیشتری گرفته و اعزام کارمندان دولتی، بخصوص اعزام معلمان و کارمندان آموزش و پرورش بقیه در صفحه ۴

گرامی باد خاظره تا بناک شهدای خلق ترکمن!

- اسامی شهدای خلق ترکمن در جنگ
تحمیلی اول رژیم در گنبد بر خلق ترکمن :
- ۱- رفیق شهید قربان شفیع
 - ۲- رفیق شهید جلیل ارازی
 - ۳- رفیق شهید غفور عمادی
 - ۴- رفیق شهید عطا خانجانی
 - ۵- رفیق شهید عبدالجلیل گوگلانی
 - ۶- رفیق شهید آنا بردی سرافراز
 - ۷- رفیق شهید محمد اراز (بهروز) بهنام
 - ۸- رفیق شهید اراز محمد دردی پور
 - ۹- رفیق شهید حاجی محمد آخوندی
 - ۱۰- رفیق شهید بهرام آق آبای
 - ۱۱- رفیق شهید عبدالله صوفی زاده
 - ۱۲- شهید نور محمد شفیع
 - ۱۳- شهید محمد رادفر
 - ۱۴- شهید حالت قلی رازی
 - ۱۵- شهید بردی محمد کوشه
 - ۱۶- شهید یعقوب اونق
 - ۱۷- شهید قلی قلجایی
 - ۱۸- شهید سبجان بردی آق نیکوایی
 - ۱۹- شهید بهرام محمد جبلی
 - ۲۰- شهید عبدالجلیل برهان
 - ۲۱- شهید بایرام بی بی ملتی و فرزند
شش ماهه او
 - ۲۲- شهید ملا مراد کلته
 - ۲۳- شهید حلیم پرویز
 - ۲۴- شهید نور محمد مختومی
 - ۲۵- شهید محمد قربان (مشدی) گلی خوا^{حه}
 - ۲۶- شهید حیدر قلی ایگدری
 - ۲۷- شهید حاجی خوجه دردی دلشاد
اینچه برونی
- ۲۸- شهید پیغمبر قلی حسین زاده
 - ۲۹- شهید صفرگل خالدزاده
 - ۳۰- شهید عبدی میرزاعلی
 - ۳۱- شهید آنا دوردی حبیبلی (اینچه
برونی)
 - ۳۲- شهید سلیمان محمدی
 - ۳۳- شهید بورجو. کلته
 - ۳۴- شهید عاشور اسکندر نژاد
 - ۳۵- شهید گلدی محمد دازداری
 - ۳۶- شهید محمد قزلجه
 - ۳۷- شهید طایچه برومند
 - ۳۸- شهید نورمحمد خوجه
 - ۳۹- شهید حکیم شفیع
 - ۴۰- شهید نورمحمد قوجقی
 - ۴۱- شهید عبدالحمید کلامی
 - ۴۲- شهید حاجی رحیم دازداری
 - ۴۳- شهید حاجی صنوبری
 - ۴۴- شهید ملنگ گرگی اشترک
- نام شهدایی که در نهم خرداد ماه سال
۵۸ بوسیله قدس گرگانی مالک بزرگ روستا
کوچک نظر خانی و سپاه پاسداران خان-
بین بشارات رسیدند :
- ۱- شهید احمد نظرخانی
 - ۲- شهید سالار آق ارکلی
 - ۳- شهید مشهد قلی نظر خانی
- اسامی برخی از شهدای خلق ترکمن
در جنگ تحمیلی دوم رژیم جنایتکار خمینی
در گنبد :
- ۱- رفیق شهید شیرمحمد درخشنده توماج
 - ۲- رفیق شهید عبدالحمید مختوم
 - ۳- رفیق شهید حاج طواق واحدی

کمکهای مالی رسیده:

- ۱- آنا قلیچ از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۲- چاری از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۳- آق اویلی از آلمان غربی ۱۶۰ مارک
- ۴- نور قولی از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۵- آتلی از آلمان غربی ۹۰ مارک
- ۶- اوغوز از برلین غربی ۵۰ مارک
- ۷- ترکمن از سوئد ۱۴۰ کرون

آدرس در خارج از کشور

PLK

Nr.117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

اوجاقتم

سانگا اوجاقتم دییان .
 سانگا دۆینیم
 شوگوئیم ،
 سانگا
 گلجه گیم دییان ،
 سانگا اوجاقتم دییان .

سندن نور آلیار .
 اوانینگ ماهری بار یئلی هاورونگدا ،
 آتانیگ قوجوری یاشئل شۇ حلانگده ،
 عاصئرئنگ پاهیمی قئزئل قورونگدا
 (اؤمزؤك آئتپ اؤنگه بار یاس نورونگدا) یاس

اوجاق آق اویلرینگ کراماتی دئر
 اوجاق دیریلیگینگ علامتی دئر
 آیزدان آوئئپ سنی گؤزلدیک ،
 اؤموردن ایئئپ سنی گؤزلدیک ،
 سن گیجه کی گؤزگ لردن دؤرأنسینگ
 سن ائیتدان ،
 اوچقون لردان دؤرأنسینگ .

تۆرکمن ، سه نسیز سه سین عالمه یایماز ،
 تۆرمنینگ باخت ناماسین سن یازدینگ ،
 اؤرگه یازماز .
 سن تۆرمنینگ دؤلی آرزو گؤزلی ،
 سن تۆرمنینگ آیدان ، آیتجاق سؤزلی .
 دؤفقوز یئل ،
 بیر سرتسنگ آراجئق اؤمور ،
 یؤنه گؤر سن نأچه منزیل گچیلن ،
 دؤفقوز یئلدا ،
 اون لارچا سئر آچیلان !

قورشون سنده اره یار ،
 پؤلاد سنده تاپلانیار ،

اؤیؤم

اویام

بۆتین ایلیم

اقتبالدان نالاماق بیزه یاتدئر یات !
 بو دورموش دئر - اصلیندا شیله راکدئر

سانجار

دانش آموزانی که بحالت آلودگیی والدیشان به اعتیاد ، به وضعیت فلاکت باری دچار شده اند ، در بدترین حالت روحی بسر میبرند . عدم تعادل روحی آنها در عقب ماندگیشان از تحصیل ، عدم شرکت در امتحانات و . . . از مضمون انشاءهایی که می نویسند ، بخوبی مشهود است . شیوع بیماریهای واگیردار در منطقه ، آفت دیگری است که دامنگیر دانش آموزان شده است . امسال بیماری خارش پوست (گال) در تمامی مدارس گنبد شیوع یافته و بهداشتی این شهر نیز بدون هیچگونه اقدام اساسی در این رابطه ، فقط به سمپاشی مدارس اکتفا کرده است .

گزارش از . . .

موقع در دسترس دانش آموزان قسار نیگیزند . در همین رابطه کتاب علوم کلاس پنجم ، بعد از ۵ ماه از آغاز سال تحصیلی در دسترس دانش آموزان قسار گرفته است . آموزش فنون نظامی در مدارس اجباری شده و در روزهای بخصوصی از هفته ، در تمامی مدارس ، تحصیلات دانش آموزان متوقف و آنها مجبور به فراگیری فنون نظامی و چگونگی کاربرد سلاحهای سبک و سنگین میشوند . در روزهای آموزش فنون نظامی ، مدارس به پادگانهایی میمانند که بجز صدای کشیدن گنگدنها و نعره فرماندهان نظامی آموزش ، چیز دیگری از آنها بگوش نمی رسد .

مشتاقان تدریس در مدارس را جهت اعزام به جبهه ها ، "مازاد" اعلام کرده و فقط در گنبد و روستاهای اطراف آن در سال تحصیلی ۶۶-۶۷ در حدود ۲۰۰ کلاس بدون معلم خالی مانده است .
 مضامین کتب درسی کاملاً عساری از محتوای علمی هستند و علم ستیزی و تبلیغ جهل و ناآگاهی بوسیله مسئولین امور تربیتی و مسئولین تبلیغات ارگانهای مختلف رژیم به امری رایج مبدل شده و سطح تحصیلات به پایینترین حد خود رسیده است . کتابهای درسی و بویژه کتابهایی که مضمون "علمی" دارند ، به

گزارش از ...

به جبهه‌ها بصورت نوبتی اجباری شده است. کارمندی که قبلاً به آنها آموزش نظامی داده شده است، با قرعه‌کشی بعدت ۲ ماه به جبهه‌ها اعزام میشوند. در این رابطه استعفای دارمندان و معلمین نیز بهیچوجه پذیرفته نمی‌شود. آموزش و پرورش در منطقه، بسیاری از مشتاقان تدریس در مدارس، اعم از لیسانسیه‌های فارغ‌التحصیل، فوق‌دیپلمه‌ها و دیپلمه‌ها را "مازاد" بر احتیاج اعلام کرده و پذیرش آنها جهت اشتغال در مدارس را منوط به شرکت آنها در جبهه‌های بی‌بازگشت اعلام کرده است. بدین ترتیب رژیم توانسته است صد‌ها نفر از آنها را روانه جبهه‌ها بکند. جهاد سازندگی و سایر نهاد‌های امور صنفی رژیم در روستاهای منطقه، شرط دریافت مصالح ساختمانی بقیمت دولتی را مشروط با اعزام متقاضیان آن جبهه‌ها کرده‌اند. ارگانهای تحقیق، قبول شدگان در کنکور سراسری به مدارس عالی را، در "تحقیقات محلی" بیبانه ارتباط موهوم آنها با گروههای سیاسی، رد می‌کنند و پذیرش آنها به مدارس عالی را منوط به شرکت در جنگ میکنند. در مدارس کنونی جای بخشنامه‌های پی‌درپی، جهت رعایت حجاب و موازین اسلامی را بخیر. نامه‌های متوالی برای اخذ "کمک مالی" و اعزام هر چه بیشتر معلمین و کارمندان و دانش‌آموزان گرفته است. دانش‌آموزان موظفند در هر ماه حداقل ۲۰۰ ریال و معلمین هر ماه معادل یکروز حقوق خود را به جبهه ۱۵ بعنوان "کمک" اختصاص دهند. در صورت عدم توانایی دانش‌-

آموزان در پرداخت مبلغ فوق، آنها را به مدارس راه نمی‌دهند. تمامی "کمکهای" جمع‌آوری شده و قسمتی از بودجه ارگانها و نهاد‌های رژیم در منطقه، دوباره صرف جمع‌آوری "کمکهای" جدیدتر و آموزش داوطلبین اجباری به جبهه‌ها و یا خرج مانورهای نظامی رژیم در منطقه میگردد. در همین رابطه، سپاه و ارتش در مانوری کسه به مناسبت هشتمین سالگرد جنگ در شمال آق‌قلا ترتیب داده بودند، مقدار ۳۰۰۰۰ لیتر بنزین و حدود ۴ میلیون تومان پول خرج کرده‌اند. قسمت اعظم این هزینه؛ سرسام آور، با توسل بزور و نیرنگ از مردم شهر آق‌قلا و روستاهای همجوار آن تهیه شده بود. بدین ترتیب که یک گروه از پاسداران به ازای دریافت اجباری مبلغ ۵۰۰۰ ریال، قبضه‌هایی به مغازه داران می‌دادند و مغازه داران مجبور بودند به گروه دوم که به دنبال گروه اول در حرکت بودند، قبضه‌های پرداخت مبلغ مذکور را نشان بدهند. در غیر اینصورت گروه دوم قبضه ۱۰۰۰۰ ریالی صادر میکرد. مغازه دارانی که از پرداخت مبلغ مذکور سرپا می‌زدند بازداشت و تا پرداخت مبلغ فوق در بازداشتگاه بسر می‌بردند. سپاه با همین شیوه طی چند ماه اخیر موفق به اخذ اجباری ۵۰۰۰ رأس گوسفند از دامداران این منطقه نیز شده است. غارت مغازه داران در شهرها و روستاها بوسیله جهاد، سپاه و کمیته‌ها و گروههای دیگری که بنار جمع‌آوری "کمک" به جبهه‌ها مشغول هستند، بلا انقطاع ادامه دارد. رژیم خمینی نهاد دیگری بنام "گردان حمایت از خانواده

سریاز"، جهت فریب و چپاول مردم در منطقه، بوجود آورده است. "بنیاد شهید" نه تنها هیچگونه کمکی به خانواده شهیدان نمیکند، بلکه دقیقاً این بنیاد مبدل بینگاه ازدواج (صیغه) برای آخوندهای رژیم و گردانندگان این بنیاد و سایر ارگانها و نهاد‌های رژیم شده است. کار این بنیاد اکنون فقط در جهت "صیغه همسران جوان کشته شدگان غیر ترکمن جنگ میباشد چون در بین خلق ترکمن "صیغه" وجود ندارد و بعنوان عملی نفرت‌انگیز تلقی میگردد و رژیم نیز جرئت تحمیل و حتی طرح آنرا به همسران کشته شدگان ترکمن در جنگ را ندارد. این "صیغه"‌ها می‌توانند بنا به خواست و اراده مردها، چندساعته یا چندروزه و یا چند هفته‌ای و چندماهه باشند. چه بسا اتفاق میافتد که یک زن در طول چند روز به "صیغه" افراد مختلفی در می‌آید. رژیم خمینی برای تحقق وظیفه فوق به شنیع‌ترین ترفندها جهت اغفال بیوه زنان جوان متوسل می‌شود.

جنگ اعتیاد رژیم خمینی علیه خلق ترکمن:

رژیم ضد بشری خمینی بلافاصله بعد از سرکوب خونین خلق ترکمن در جنگ گنبد، با این خلق جنگ اعتیاد را آغاز کرده است. هدف رژیم، نابودی روحی و جسمی فرزندان خلق ترکمن و انتقام کشی جنایتکارانه از این خلق بذاطر شرکتشان در جنبش ملی - دموکراتیک و اعمال حاکمیت شورایی در ترکمنستان ایران است. از سوی دیگر رژیم قرون وسطایی خمینی قصد دارد تا از این طریق روحیه بقیه در صفحه ۵

گزارش از ...

مبارزه جویی خلق ترکمن را مهار کند. در شهر گنبد ابعاد فاجعه، اعتیاد را میتوان با یک نگاه دریافت، زنان سیستانی با چند بچه، قد و نیم قد مشغول گدایی هستند، تا از این طریق هم شکم فرزندان خود را سیر کنند و هم خرج اعتیاد خود را تأمین نمایند. دزدی بوسيله افراد معتاد ابعاد وسیعی گرفته و این نیز بنوبه خود بر ناامنی مردم منطقه افزوده است. فحشا که یکی از نتایج تبعی گسترش اعتیاد است، روز بروز گسترش مییابد. پدیده جدید در این رابطه، گسترش اعتیاد در میان زنان است. یکی از عاملین سابق قاچاق در ترکمنصحرا در همین رابطه میگوید: " ما به روستاها می رفتیم و آن سسری از معتاد هایی را که توانایی تهیه پول جهت خرید مواد را نداشتند، مجبور میکردیم تا زنان خود را در اختیار ما بگذارند و یا قول شکار دختران جوانی را به ما بدهند و یا اجازه میدادند از زنان آنها برای حمل و توزیع مواد مخدر در روستاهای مجاور استفاده کنیم! " خود کسی همسران افراد معتاد و یا معتادان به تنگ آمده از وضعیت نکبتبار خود به پدیده ای عادی تبدیل شده است.

در روستاهای اطراف گنبد مانند: قوینلی، قزله مائی، سارجه کر، سارلی - ماغتم، پشمک و ۱۰۰ اعتیاد پیدا میکنند. در آق فلا و روستاهای مجاور این شهر، اعتیاد از شدت بیشتری برخوردار است. بطور مشخص در روستای "یامپی" ۵۰٪ از جوانان و میانسالان معتاد و یا عامل فروش، هروئین هستند و این روستا در میان مردم این منطقه به "زاهدان ترکمنصحرا"

معروف شده است! در روستای "اونو- یلی" حدود ۴۰٪ از مردم معتاد و یا عامل فروش هستند. در میان طیف جوانان اعتیاد از گسترش بیشتری برخوردار است. جوانان عمدتاً با اعتیاد به حشیش، گراسر و تریاک شروع و بتدریج به هروئین روی میآورند. در بعضی شهرها، حتی در مجالس شب نشینی پزشکان و مهندسين، کشیدن تریاک و هروئین بشدت رایج شده است. قاچاقچیان مواد مخدر با توجه به رضایت دولت از گسترش اعتیاد و با استفاده از روابط حسنه خود با ارگانهای به اصطلاح "مبارزه با مواد مخدر رژیم"، با آسودگی خاطر و در امنیت کامل بکار وارد کردن هروئین به منطقه و پخش و توزیع آن مشغولند. رژیم گاهی برای خالی نبودن عریضه و برای "گوشمالی" دادن به آن دسته از قاچاقچیان که "خوش حساب" نیستند و سهم شرکای حکومتی خود را نمیپردازند، اقدام به دستگیری آنها میکند، اما بعد از مدت کوتاهی با پرداخت مبلغی کلان و یا با قربانسی کردن یکی از همکاران سطح پائین خود از زندان آزاد میشوند. در همین رابطه مدتی قبل شخصی بنام کاکا کالته که از قاچاقچیان معروف گنبد است، یکسای دو ماه بعد از دستگیری، از زندان آزاد میشود و بجای او اکنون برادر کوچکترش، نه "وردست" او بوده دستگیر و به حبس دراز مدت محکوم شده است.

رژیم جنایتکار خمینی علاوه بر پشتیبانی غیرمستقیم از قاچاقچیان، مستقیماً از طریق پاسداران نیز امر توزیع مواد مخدر در منطقه را پیش میبرد.

وضعیت ارگانهای امنیتی و سرکوبگر رژیم در منطقه:

در پی تصویب اساسنامه کمیته های انقلاب اسلامی، این نهاد های امنیتی و سرکوبگر رژیم در منطقه، وظایف مشخصی را با حیظه عملکرد معین بر عهده گرفته اند. وظایف این کمیته ها اکنون بطور مشخص، تعقیب و بازرسی و کنترل افراد سیاسی و فراریان از جبهه ها، مبارزه با بی حجابی و "مبارزه با مواد مخدر و قاچاقچیان" را دربر میگیرند. جهت پیشبرد این وظایف، هم اکنون کمیته ها در منطقه، بشدت تقویت میشوند. از سوی دیگر در گنبد و بندر ترکمن تعداد زیادی از پرسنل شهربانی را اخراج و یا باز خرید کرده اند. از فرائن بر میآید که رژیم قصد دارد کمیته را عملاً جانشین شهربانی بکند. بدنبال ورود لاجوردی، جلال معروف اوین، به منطقه و اقامت طولانی مدت وی در گنبد، پیگرد سیستماتیک فعالین سیاسی منطقه و کنترل دائمی زندانیان سیاسی آزاد شده ابعاد جدیدی بخمود گرفته بود. لاجوردی، در سال ۶۵ تا خاتمه بمبارانهای تاپستان گذشته تهران در شهرستان گنبد کاووس، بصورت مخفیانه بسر برده و ارگانهای امنیتی رژیم را در منطقه سازماندهی نموده بود. بدنبال آن، در مرداد ماه امسال نیز جلسه مشترکی با حضور مسئولان امنیتی طراز اول رژیم از تهران و مازنداران و از منطقه، در شبه جزیره آشور آده بندر ترکمن تشکیل گردید. در این جلسه که چندین روز بطول انجامیده، شرکت کنندگان به چاره جویی

گزارش از ...

در مورد چگونگی مهار فعالیت مبارزین ترکمن در منطقه و چگونگی هماهنگی ارگانهای امنیتی رژیم با ارگانهای امنیتی تهران و مازنداران پرداخته اند. ما حاصل این جلسه، مشترک مسئولین امنیتی رژیم، علاوه بر تقویت و تحکیم ارتباطات ارگانها و نهاد های امنیتی و سرکوبگر رژیم در منطقه، تسلیح افراد غیر نظامی معینسی بوده که وظیفه کنترل تجمع و ارتباطات فعالین سیاسی منطقه و ارتباطات جوانان در روستاها و شهرها را بر عهده دارند. این افراد ظاهرا هیچگونه رابطه ای با ارگانها و نهاد های رسمی رژیم ندارند و وظیفه آنها فراتر از خبر چینی به این مراکز است. ارتباط آنها فقط با ارگانهای امنیتی معینی میباشد که کاملا بصورت مخفی سازماندهی شده است و اختیارات وسیعی مانند حمل سلاح با خود، دستگیری مستقیم افراد سیاسی، جذب عناصر جدید جهت همکاری با ارگانهای امنیتی رژیم و گسترش منطقه تحت کنترل خود و ... را دارند.

وضعیت شوراهای روستایی: شورا -

های روستایی که بعنوان ارگانی دمکراتیک و انقلابی و بمثابة ارگان اعمال اراده، بلاواسطه روستائیان در تمامی امور روستاها بودند، بعد از جنگ تحمیلی رژیم ضد خلقی خمینی در منطقه و با پیوستن سازمان فدائیان خلق (اکثریت) به پیروان "خط امام" و دفاع و پشتیبانی همه جانبه این سازمان از این "خط" ضد انقلابی، بتدریج از مضمون دمکراتیک و انقلابی خود تهی و در جهت تبدیل شدن آنها به

نهادی حکومتی سوق داده شدند. قربانی کردن شوراهای مردمی ترکمنستان ایران در پای رژیم قرون وسطایی خمینی اولین گام نزدیکی اکثریت به این رژیم بود. رژیم خمینی که انون انقلابیون ترکمن را تار و مار نموده و خلق را سرکوب خونین کرده بود، با بهره برداری کامل از سیاست اپورتونیستی و تسلیم طلبانه "اکثریت" در ابتدا با برگزاری باصطلاح "انتخابات" دست به تغییر ترتیب اعضای شوراها زد و با گذاشتن شروط ضد انقلابی مبنی بر عدم شرکت عناصری که سابقه همکاری با ستاد و کانون داشتند، شوراها را تصفیه نمود. جمهوری اسلامی، در مناطقی حتی از عضویت عناصری که با رأی اکثریت مطلق روستائیان به شوراها برگزیده می شدند ممانعت بعمل آورده و دست بدستگیری عناصر دمکرات و انقلابی روستاها زده و حتی در مواردی از اعدام آنها نیز کوتاهی نکرد.

هر چند حاکمیت، بدلیل مقاومت روستائیان تاکنون نتوانسته است زمینهای صادره شده را به غاصبان آن بازگرداند

ولی بشدت در این راستا تلاش میورزد. گرفتن اجاره بها از زمینهای زیر کشت شوراها گام اول رژیم در این جهت میباشد. گام دیگر رژیم در راستای فوق، مسخ مضمون انقلابی شوراها و تعدیل وظایف آنها به حد وظایف یکی از ارگانهای اجرایی "جهاد سازندگی" است. در حال حاضر وظایف ابناسی شوراها را تأئیدیه افرادی که به دانشگاهها قبول میشوند و تأئیدیه برای خرید ماشین آلات کشاورزی بقیعت دولتی برای کشاورزان، توزیع مواد غذایی

کوپنی و سیگار و ... تشکیل میدهد. با توجه به وضعیت فوق شوراهاست که اعضای سابق، شوراهای روستایی، در برخورد با مبارزین ترکمن در منطقه، عمدتاً نظر خود را با این جملات ابراز میدارند: "شماها افراد خوبی بودید ولی گول این آخوندها را خوردید. بیخودی دنبال این ریشوها افتادیم، بیخودی دنبال جهاد افتادیم. همه اینهایکی هستند، اینها یواش یواش سوار ما شدند. اینها از شورا های ستادی می ترسیدند."

وضعیت

آموزش و پرورش: وضعیت بحرانی

جامعه، جنگ، فقر و فلاکت فزاینده، مردم و بخصوص گسترش اعتیاد در ترکمن صحرا، مستقیماً تأثیر خود را بر وضعیت تحصیلی دانش آموزان برجای می گذارد. مدارس، اکنون به یکی از مراکز مهم سربرازگیری و جمع آوری "کمک" به جبههها تبدیل شده است. کلاسهای درس و سالنهای تمامی مدارس، پوشیده از پوسترهای است که دانش آموزان و معلمان را به سوی جبههها و شهادت، فرا میخوانند. معلمین جهت رفتن به جبههها و "کمک" به آن و ترغیب و تحمیل دانش آموزان جهت رفتن به جبههها، زیر شدیدترین فشارها قرار میگیرند. آموزش و پرورش، بحالت وضعیت وخیم اقتصادی رژیم، قادر به پرداخت حقوق و منظم حقوق معلمین نیست. در همین رابطه، آموزش و پرورش، گنبد چندین بار از بازاریان و طلافروشان چون منوچهر زرگران و رجب زرگری، جهت پرداخت حقوق معلمین وام گرفته است. در حالیکه آموزش و پرورش بقیه در صفحه ۳

پیام . . .

جان خود در راه آرمان خلق خویش، به
شهادت ای جاوید خلق ترکمن پیوستند . با
جانبازی این فرزندان دلاور خلق بود که
کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ،
سربلند و پیروز از جنگ تحمیلی رژیم، بیرون
آمد . بدنبال این پیروزی بود که کانون
فرهنگی - سیاسی و ستاد مرکزی شوراهای
ترکمنصحرآ، حاکمیت خود مختار شورایی
خلق ترکمن را اعمال کردند . این حاکمیت
نه تنها مایه افتخار انقلابیون ترکمن است،
بلکه مایه سرافرازی همه انقلابیون و
مبارزان راه سعادت مردم ایران است .
رژیم شوونیستی - مذهبی خمینی ، بنا
به سرشت ضد خلقی خود ، نمیتوانست
چنین حاکمیتی را تحمل نماید . رژیم خمینی
وقتی که از ایجاد دگرگیزیهای محدود
و توطئه های گوناگون خود به کمک ایادی
رژیم سرنگون شده شاه و زمینداران و
بورژوا - ملاکان خلعید شده در منطقه
نتیجه ای نگرفت ، جنگ دوم را بر خلق
ترکمن تحمیل نمود و با سرکوب خونین این
خلق ، به عمر کوتاه حاکمیت شورایی خلق
ترکمن پایان داد . رژیم جنایتکار خمینی
اینبار نیز دست خود را بخون پاکتریسن
فرزندان خلق ترکمن آغشته کرد . انقلابیونی
چون : توماچ ، مختوم ، واحدی و جربانی
که ناجوانمردانه توسط دژخیمان خمینی
ریوده شده بودند ، تا آخرین لحظه حیات
افتخارآمیز خود از مقاومت قهرمانانه باز
نایستادند و چون سرو ایستاده شهید
شدند . اما جلادان خمینی علیرغم آلودن
دست خود بخون فرزندان راستین خلق
ترکمن ، هرگز نتوانستند صدای رسای این
فرزندان را خفه کرده و خلق ترکمن را به
اسارت بکشند . مقاومت حماسی عبدالله

تشکیلاتی جوشیده از درون خلق، به
آنچنان نفوذ توده های دست یافت که به
مدد آن توانست نعشی بی نظیر در چند
دهه اخیر در زندگی و مبارزه خلق ترکمن
ایفا نماید . کانون در مدت کوتاهی به
پشتوانه کمپهای بی شائبه خلق ترکمن
و با ایثارگریهای بیدریغ و قهرمانانه
اعضای خود توانست ، حتی مردم دور -
افتاده ترین نقاط ترکمنستان ایران را به
زندگی سیاسی فعال بکشاند و تمامی خلق
را در جهت تعیین سرنوشت خویش ،
رهنمون سازد . با رهبری کانون فرهنگی -
سیاسی ، خلق ترکمن به دلگتاوردهایی
نایل آمد که مبارزات این خلق را از سایر
نقاط ایران برجسته نمود . در طول فعالیت
کانون ، خلق ترکمن از چنان تشکلی
سازمان یافته در شوراهای اتحادیه
سراسری روستایی، تعاونیها و ... برخوردار
گردید که تا آنوقت در تاریخ این خلق
سابقه نداشته و بیاری این تشکل انسجام
یافته خود ، توانست پنجه در پنجه
غاصبان سرزمین خود ، این پایمال کنند -
گان حقوق ملی خویش افکنده به دستاورد -
های غرور انگیزی نایل آید .

رژیم قرون وسطایی خمینی ، از همان
بدو تشکیل کانون ، با تحمیل جنگ اول
گنبد بر خلق ترکمن ، قصد نابودی کانون و
سرکوب خونین خلق ترکمن را داشت .
مقاومت قهرمانانه خلق ترکمن تحت رهبری
سازمان رزمنده آن ، کانون فرهنگی -
سیاسی ، رژیم ددمش خمینی را ناگزیر به
عقب نشینی نمود . در این جنگ انقلابیونی
چون قربان شفیقی ها ، جلیل ارازیها ،
عطا خانجانی ها ، عمادی ها و ... با نثار

حق تعیین سرنوشت بدست خویش حق همه ملل است

پیام . . .

رویگردان نیستند . در يك كلام چهره شاداب ترکمنستان ایران را گرد بدبختی فراگرفته و صحرای گلگون ما به ماتم نشسته است . خلق ما امروز بیش از هر زمان دیگر به اتحاد ، تشکل و مبارزه احتیاج دارد . تنها از این طریق است که می توان به این همه جور و بیداد نقطه ختاسی نهاد و زندگی نوینی را بنا نهاد .

نه سال پر تلاطم ، تجربه ای گرانبها برای کانون و انقلابیون ترکمن بود . در طول این نه سال انقلابیون ترکمن به محک آزمایش گذاشته شده ، دوستان و دشمنان خلق با چهره واقعی خود وارد میدان شدند . محصول پر بهای این تجارب خونین در عرض نه سال ، غلبه بر انحرافات گذشته ، تشکیلات رزمنده مان و تأمین استقلال آن و زنده کردن سنن انقلابی خلقمان بود . اکنون با گرد آمدن در تشکیلات مستقل و رزمنده ، خلقمان به تفرقه ها در صفوف انقلابیون ترکمن پایان دهیم و پرچم پرافتخار مبارزات خلقمان را به قله رفیع پیروزی که بسیاری از شریفترین فرزندان این خلق در راه رسیدن به آن جان باختند ، برسانیم .

اگر ایجاد کانون خود اقدامی تاریخی در جنبش انقلابی خلق ما بود ، ادامه راه کانون و تقویت صفوف رزمنده آن و حراست از استقلال این سازمان نیز کم اهمیت تر از بنیانگذاری آن نیست . دشمن هزار چهره و دوستان نادان تلاش خواهند ورزید تا حریم مقدس کانون را بیالایند و در نهایت با توسل به هر حيله ای این سازمان را از صحنه نبرد محو سازند . اما وجود انقلابیونی که طی نه سال مبارزه در صفوف کانون ، تجربه انقلاب بزرگی چون

مردم می طلبد که بدور از هر گونه منافع گروهی و تنگ نظریها و با کنار زدن موانع مصنوعی ، دور هم گرد آمده و به نجات میهن خویش کمر همت ببندیم .

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ، سازمان پیگیرترین و صادقترین انقلابیون ترکمن است که جهت تأمین آزادی ، دموکراسی ، صلح و عدالت پیکار می کند . هدف کانون تشکیل حکومت خود مختار شورایی ترکمنستان ایران در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل و عاری از استثمار است . ما تحقق اهداف خلق ترکمن را تنها در پیروزی سایر خلقهای تحت ستم ایران و در پیروزی نیروهای راستیمن انقلابی و مترقی شورمان می دانیم . بدین لحاظ ، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ، مدافع استقلال و حاکمیت ملی مردم و مبلغ پیگیر تفاهم ملی بین تمامی خلفهای ساکن ایران است . برای برقراری حکومتی دموکراتیک و جامعه ای عاری از استثمار در ایران مبارزه میکند .

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در نهمین سالگرد بنیانگذاری خود تمامی نیروهای مترقی و انقلابی را ، جهت رهایی مردم آزاده ایران از چنگال رژیم جنایتکار خمینی در جبهه ای واحد فرامی خواند .

مرکز بر خمینی

نایب باد جنگ ، زنده باد صلح

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

مرکز بر امپریالیسم جهانی به

سرکردگی امپریالیسم آمریکا

گرامی باد خاطره تابناک شهدای

جاوید خلق ترکمن

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

انقلاب بهمن و پیکار جانانه در د و جنگ تحمیلی علیه نیروهای سرکوبگر خمینی و نیز تجربه اعمال حاکمیت خود مختار شورایی در منطقه را دارند ، جای هیچگونه تردید باقی نمی گذارد که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن سرافراز از آزمایش تاریخی - انقلابی خود بیرون خواهد آمد و پیروزی از آن ما خواهد شد ؛ چه ، خلقی که نستوه پیدار می کند چیرگی ناپذیر است . در نهمین سالگرد بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ، گامهایمان را استوارتر ، مشتهايمانرا کوبنده تر و صداها را رساتر کنیم تا پیروزی موعود را نزدیکتر سازیم !

نیروهای مترقی و انقلابی ایران !

مردم میهنمان امروز به سرنوشتی خونین در چنگال رژیم فقهی گرفتار شده اند . جنگ پرلهپای ایران و عراق همچنان ادامه دارد ؛ صدها هزار انسان بیگناه طعمه این جنگ شده اند ؛ ده ها شهر و صدها روستا ویران گردیده و بسیاری از مراکز صنعتی نابود شده اند . رژیم ترور و وحشت به سراسر میهنمان بال سیاه خود را گسترده و از مردم حتی کوچکترین امنیتی را نیز سلب نموده است . کمبود ، گرانی و بیکاری بیداد میکند ؛ هزاران مبارز در چنگ رژیم گرفتار آمده و در بدترین شرایط از شرف و حیثیت خود و مردم ایران دفاع میکنند ؛ صدها نفر هر روز تحت شکنجه های حیوانی قرار گرفته و عده ای از آنان در پی این شکنجه ها به شهادت میرسند ؛ اعدام مبارزان همچنان ادامه دارد . سخن کوتاه ، رژیم جنایتکار خمینی ، ایران را به جهنمی سوزان تبدیل کرده است . شرایط اسفناک امروز جامعه از ما بعنوان مبارزان راه پیروزی و نیک بختی

بمناسبت دو . . .

گردید" (۱). حکومت رضا خان بعننوان حکومت فتودال - بورژواهای فنارسر، در جهت ایجاد حکومت مرکزی مقتدر، جهت حفظ و تأمین منافع آنها، هرگونه جنبش ملی را سرکوب کرد. وی از جمله قیام خلق ترکمن و خلق کرد را در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۲ غرق در خون ساخت.

خلق کرد بعنوان یکی از خلقهای تحت ستم ایران که همواره مورد ظلم و تعدی بوده است، تاریخ مبارزاتی غنی ای دارد. این خلق جهت سبب خواستهای ملی خویش، دمی از مبارزه باز نایستاده است. جنبش این خلق فراز و نشیبهای زیادی را شاهد بسوده و امروز به جنبشی منطبق با خواستهای اساسی خود فرا روئیده است.

از ویژگیهای جنبش خلق کرد، قبل از سال ۱۳۲۰، تسلط فتودالها و شیوخ و رؤسای عشایر بر این جنبش بود. اقتدار و طبقات مزبور بنا به خصلت طبقاتی خود، ناتوان از رهبری جنبش تا به آخر بودند و در نتیجه سازشکاری و ناپیگیری آنان، جنبش خلق کرد نیز در نیمه راه متوقف شده و ناگام میماند. فرار گرفتن اقشار و طبقات مذکور در رأس جنبش، خلق کرد، خود ناشی از شرایط اجتماعی - اقتصادی آنروزی جامعه ایران و بویژه جامعه کردستان بود. آخرین و برجسته ترین نمونه رهبری این اقشار و طبقات در آبانماه سال ۱۳۲۰ در مناطق سقز و بانه، تحت رهبری محمد رشیدخان (حمه رشید) بود. این جریان بمشابه آخرین آزمایش، برای جنبش، خلق کرد، ثابت نمود که قشر فتودال - عشیره ای کردستان

دیگر نمیتواند جنبش، این خلق را به فرجام پیروزمندانه خود برساند.

بدینسان جنبش خلق کرد با گامهای استوار جاده تنامل را پیمود و از هر شکستی قدرتمند بیرون آمده و از هر پیروزی جهت پیروزیهای نوین تجربه ها آموخت. درست با بکارگیری این تجارب بسودکسه انقلابیون خلق کرد در بهار سال ۱۳۲۲ در کوهستانهای منطقه ای بنام "قلای - صارم" جلسه مؤسسان نخستین حزب سیاسی کردستان را تشکیل دادند. با تلاشهای این فرزندان راستین خلق کرد بود که در مردادماه ۱۳۲۴ حزب دمکرات کردستان بنیان گذاشته شد و این حزب با برنامه ای روشن رهبری مبارزات خلق کرد را بعهده گرفت.

شرایط تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم و سقوط دیکتاتوری بیست ساله رضا خان، بستر مناسبی برای رشد و اعتلای جنبشهای آزادی بخش ملی در داخل ایران بود. حزب دمکرات کردستان این شرایط را برای اعلام حکومت خود مختار کردستان مناسب دیده و در صدد اعلام آن برآمد. بدین منظور در دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ بدعوت حزب دمکرات، خلق کرد از اقصی نقاط کردستان ایران در میدان "چوار - چرا" شهر مهاباد گرد آمدند و پسر از اعلام تشکیل جمهوری خود مختار کردستان ایران، فاضی محمد، رهبر حزب دمکرات را به ریاست جمهوری کردستان ایران برگزیده و به او لقب "پیشوا" دادند.

حکومت خود مختار کردستان در مدت دونه عمر خود کارهای بسیار مهمی از جمله: تأسیس اولین ایستگاه رادیویی

کردستان، اعلام زبان کردی بعننوان زبان رسمی در منطقه جمهوری خود مختار کردستان، گذاشتن اولین سنگ بنای تئاتر ملی، ایجاد نخستین کانون آموزش و بهداشت رایگان، تجدید نظر در تعسیم محصول به سود دهقانان و . . . انجام داد.

ارتجاع داخلی و خارجی بنا به ماهیت ضد خلقی شان نمی توانستند وجود چنین حکومتی را تحمل نمایند. آنها در تداوم چنین حکومتی و در گسترش آن به سایر مناطق ایران، ناپودی خود را میدیدند. ارتجاع سلطنتی با کمک امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی، حمله به دستاوردهای دمکراتیک مردم ایران را آغاز نمود و روز بیست و ششم آذر ماه ۱۳۲۵ ارتش شاهنشاهی بدون برخورد با مقاومت مسلحانه، وارد شهر مهاباد شده و به عمر کوتاه جمهوری کردستان خاتمه داد.

علل شکست جنبش دمکراتیک کردستان را باید علاوه بر ضعف عمومی جنبش و رهبری آن، در شکست جنبش آذربایجان و سقوط حکومت خود مختار آن و عقب نشینی تسلیم طلبانه رهبری فرقه دمکرات و رها کردن خلق آذربایجان در برابر یورش خونین ارتش شاهنشاهی و در نتیجه انفراد حکومت خود مختار کردستان از یکسو و از سوی دیگر در نقش تسلیم طلبانه و تعاشاگرانه حزب توده دانست.

"سیاست انتظار و نقش تعاشاگرانه حزب توده ایران بعنوان نیروی اصلی اپوزیسیون در سطح سراسری ایران در آن زمان نسبت به پیشروی ارتش بسوی آذربایجان بقیه در صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران!

بمناسبت دو . . .

و حزب راهبر آن، حزب دمکرات کردستان ایران، اعلام میدارد .

زیر نویسها :

۱- تاریخ نوین ایران صفحه ۸۶

۲- از بیانیه ک.م. حزب دمکرات بمناسبت چهلمین سالروز تأسیس

جمهوری خود مختار کردستان .

• • •

خلق مبارز ترکمن!

به جبهه ها کمک نکنید! نگذارید خمینی فرزندان را به جبهه های بی بازگشت اعزام کند!

به فراریان از جبهه ها یاری رسانید!

سربازان، درجه داران و

افسران ترکمن!

در جنگ ارتجاعی و خانمانسوز ایسران و عراق شرکت نکنید! از شرکت در عملیات و حملات جنگی خود داری و از جبهه ها فرار نکنید!

در سرکوبی خلق کرد، که با خلق ترکمن

سرنوشت مشترکی دارد، شرکت نکنید!

با پیوستن به پیشمرگان کرد، مشترکا علیه

رژیم خمینی که دستهایش به خون شریفتر

فرزندان خلق کرد و ترکمن و دیگر خلقهای

تحت ستم آلوده است، رزم مشترک

خلقهای کرد و ترکمن و دیگر خلقها را

علیه این رژیم خونخوار شدت دهید!

بمناسبت بیست و . . .

در تاریخ ۸/۹/۱۳۵۸

(۱۰)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) از پلنوم

فروردین ماه سال ۶۵ سازمان فداائیا

خلق (اکثریت) .

متهم نمود . اگر قصد رضاخان و محمد رضا -

شاه استحالته خلقهای دیگر در ملت حاکم

بود، آخوند های تاریک اندیش تحت عنوان

"امت واحد اسلامی" هر گونه خواست ملی

را مغایر با خواسته های پان اسلامیستی و

شوونیستی خود میدیدند و در جهت سرکوب

جنبشهای ملی برآمدند . رژیم خمینی در

برابر خواسته های برحق خلق کرد، به بی -

سابقه ترین جنایات در کردستان دست

زده وحشت و جنون را بر فضای کردستان

حاکم نمود .

حزب دمکرات کردستان، اکنون رویا -

رو با یکی از درنده ترین رژیمهای تاریخ

بشری، مبارزات خلق کرد را به پیش میبرد

و به حق شایستگی خود را در پیگیری

آرمان قاضی محمد ها به جهانیان اثبات

نموده است . کردستان، از یمن این

مبارزات اکنون به سنگر آزادی برای دیگر

مبارزان راه سعادت مردم ایران تبدیل

شده و پرچم آزادی بر فراز کوههای

کردستان در دستهای پیشمرگه های

فهرمان به اهتزاز در آمده است . در

شرایط فعلی جنبش خلق در احتیاج

میرمی به حمایت و همبستگی جنبش انقلابی

سراسری و جنبش دیگر خلقهای تحت ستم

ایران دارد . بنابراین وظیفه تمامی

نیروهای مترقی و انقلابی است که از

وارثان راه جمهوری دوربینه ندان

کردستان، پشتیبانی همه جانبه بعمل

آورند .

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

بنوبه خود ضمن گرامیداشت ۴۲ -مین

سالگرد تأسیس جمهوری خود مختار

کردستان، همبستگی و حمایت همه جانبه

خود را از مبارزات آزاد بیهوش خلق کرد

و کردستان و بویژه شکست جنبش آذر -

بایجان آنهم بدون مقاومت و بطرز تسلیم

صلبانه و فرار مخفیانه رهبران آن از میدا

مبارزه، جمهوری کردستان را در انزوای

کامل و شرایط دشواری قرار داد^(۱) . از

دیگر عوامل مهم در شکست حکومت خود

مختار کردستان، میتوان از عدم توانایی

این حکومت در جذب دهقانان نام برد .

در طول حکومت خود مختار کردستان،

اقدام مهمی در جهت منافع دهقانان به

انجام نرسید .

بدین ترتیب، حکومت خود مختار

کردستان بدست ارتجاع سلطنتی و با

کمک امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی

سرنگون شد . پیشوای آن قاضی محمد و

دیگر رهبران این جمهوری بدار آویخته

شدند . اما مبارزه پایان نگرفت و فرزندان

خلف قاضی محمد ها، راه آنان را ادامه

دادند . حزب دمکرات کردستان با کسب

تجربه از مبارزات خلق خود و با تکیه بر

نیروی لایزال توده ها، لختلهای از مبارزه

تا سرنگونی رژیم شاه باز نایستاد . با

سرنگونی رژیم ضد خلقی شاه در ایسران،

فضای مناسبی جهت رشد و اعتلای جنبش

های آزاد بیهوش ملی فراهم شد و خلق کرد

جهت برآوردن مطالبات ملی خود بپا -

خاست و مصممانه تحت رهبری حزب

دمکرات، در جهت حقوق حقه خود به

مبارزه پرداخت . اما روحانیون تازه به

قدرت رسیده، بهار آزادی را به خزان

خفقان مبدل نمودند . رژیم قرون وسطایی

خمینی که از روز اول با هر گونه خواست

توده ها مخالف بود، به شیوه اسلاف

خود هر گونه حرکت ملی را به تجزیه طلبی

بهناسبت بیست و ...

به ۲ سال از فعالیت خود را در شرایط نیمه علنی و ۶ سال تمام از آنرا بحالت مخفی سپری ساخت . بدینسان کانون، علیرغم جوانی خود، تمامی اشکال و مراحل مبارزاتی را پشت سر نهاده و در هر یک از این مراحل تجربیات سرگرانیهایی اندوخته است . طبیعی است که طسی کردن این همه مراحل پریپیچ و خم و به غایت بغرنج سالهای پس از انقلاب در مدت کوتاه ۹ ساله و نیز با مدنظر داشتن جوانی و عدم پختگی سیاسی - تشکیلاتی، کانون ناگزیر از ندانم کاریها و ارتکاب خطاهایی بوده است . فائق آمدن به ندانم کاریها و پندگرفتن از خطاها و جلوگیری از تکرار مجدد آن ، سخن کوتاه ، بررسی نقادانه گذشته و بکارگیری نتیجه علمی این بررسی در آیند خلق و کانون ، از اهم وظایف رهبری کانون و دیگر پیشقراولان جنبش انقلابی خلق ترکمن است .

ارزیابی دستاوردهای فعالیت کانون و نقد جوانب منفی این فعالیت در شرایط فعلی ، بویژه از این لحاظ حائز اهمیت است که این سازمان تاکنون بدلیل عدم استقلال و وابستگی تشکیلاتی خود به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سپس به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، رأسا و جدا از خط مشی این جریانات نتوانسته بود به بررسی گذشته خود بپردازد . اکنون نهمین سالگرد بنیان گذاری کانون بار دیگر فرصتی است برای بررسی گذشته مبارزاتی این سازمان و نقد جوانب منفی و مثبت آن .

با سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه ، حاکمیت برون آمده از انقلاب توده ها، از بدو استقرار خود درست در جهت ابقای همان سیاست ضد مردمی و شوونیستی رژیم سابق در تمامی عرصه های زندگی مردم ترکمنستان ایران حرکت کرد . مقولاتی چون خود مختاری خلقها و حق تعیین سرنوشت ملل بدست خویش، برای رژیم مقولات غریبه ای بیش نبودند و هر سر خلقی که طالب آنها میشد میبایست بشدت سرکوب میگردد . در عرصه مسئله ارضی نیز همان سیاست حمایت از غاصبان زمین مجدانه دنبال میشد . از دموکراسی و آزادی - جدا از دوره کوتاه بعد از انقلاب - سخنی هم نمیتوانست در میان باشد . بنابراین دست نخورده باقی گذاشتن ارگانهای سرکوبگر و نیز ارگانهای اداری رژیم سابق در منطقه دور از انتظار نبود . رژیم ولایت فقیه علاوه بر حفظ ارگانهای فوق ، نهاد های ضد خلقی دیگری را نیز ایجاد کرده و نیروهای سرکوبگر نوینی را نیز وارد منطقه نمود . هدف رژیم از این سیاست ، دست زدن به یک سری اقدامات ایضایی^(۱) ، ایجاد و تشدید اختلافات مذهبی و غیره و در نهایت مهار کردن جنبش انقلابی توده های مردم بود . در نظر داشتن کلیه عوامل فوق ، جای کوچک ترین تردیدی باقی نمیگذشت که انتظار تغییرات بنیادی در همه سطوح جامعه و دست یازیدن با اقدامات خلقی و انقلابی از طرف این رژیم ، خود فریبی و عوام فریبی^(۲) بیش نبوده است . در چنین شرایطی بود که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن با تجزیه و تحلیل درست اوضاع با توجه به شرایط عینی و ذهنی منطقه ، خود رأسا

وارد میدان مبارزه علیه بورژوا - ملاکان ، و تمامی مظاهر ضد دموکراسی و ضد آزادی شد .
خلق ترکمن که دوشاد و شر دیگر خلق - های ایران در انقلاب شرکت جسته و با توجه به اوضاع ویژه ترکمنستان ایران ، در جهت تحقق مطالبات بحق خویش ، بطور پراکنده خود مستقلا دست با اقدامات انقلابی زده و نیز در مواردی به صادره زمینهای غصبی پرداخته بود^(۳) ، اینبار طبق رهنمود کانون فرهنگی - سیاسی و بطور سازمان یافته نه تنها بسلب مالکیت از غاصبان پرداخته بود ، بلکه بتدریج اداره همه امور منطقه را نیز در دست گرفت . در روند گسترش شوراهای مردمی که ریشه در سن گذشته خلق ترکمن داشتند ، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نیز در اواسط اسفند ماه ۱۳۵۷ ، جهت رهبری متمرکز و هماهنگی اقدامات انقلابی آنها ، تشکیل گردید . اقدام مستقل خلق ترکمن و عدم پذیرش ارگانهای انتصابی حاکمیت جدید در منطقه از طرف این خلق و مبارزات انقلابی کانون و ستاد که سپردن تمامی امور منطقه بدست شوراهای مردمی و خلع ید از بورژوا - ملاکان را پیشرو داشتند ، ارتجاع غالب و مغلوب را بر آن میداشت . متحدان به مقابله با خلق ترکمن برخیزند . ضد انقلاب بخوبی واقف بود ، در شرایطی که خلق ترکمن یکپارچه در مقابل وی ایستاده و با تمام قوا از سازمان رزمنده خود پشتیبانی میکند ، دست یازیدن بتهدیدها و عملیات تروریستی کوچکترین مانعی در راه اعمال حامیت این خلق ایجاد نخواهد کرد . بنابراین لازمه مقابله با خلق و

بهناسبت بیست و

نابودی شوراهای، تحمیل جنگ ضد خلقی تمام عیار به خلق ترکمن بود. دیری نپائید که رژیم ضد خلقی خمینی با حمله مسلحانه به میتینگ مسالمت آمیز خلق ترکمن در ششم فروردین ۵۸ که بنا به دعوت کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن تشکیل شده بود، این جنگ شوم را به خلق ترکمن تحمیل کرد. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن جهت مقابله با این حمله ارتجاع، تمامی پاسگاههای مرزی، روستایی و مراکز ژاندر-مری و شهرهای در شهرها را تصرف کرده و به تسلیح توده ها و سازماندهی آنان پرداخت. مقاومت حماسی خلق ترکمن در برابر پاسداران ضد خلقی که از سراسر ایران به منطقه سرازیر شده بودند، از یکسو و از سوی دیگر اعتراض یکپارچه تمامی نیروهای انقلابی و مترقی کشور که در موضع مخالفت با جمهوری اسلامی قرار داشتند و نیز عدم تثبیت و تحکیم ارگانهای سرکوبگر و نهادهای دولتی رژیم در آن شرایط، حاکمیت جدید را مجبور میکرد که تن به پذیرش صلح بدهد.

بدینسان بر خلاف انتظار رژیم، تنها کانون از طریق جنگ تحمیلی در هم شکسته نشد و توده های مردم مرعوب قدرت نمایی خونین آن نشدند، بلکه هم کانون و هم خلق از این جنگ تحمیلی، بعد از ۹ روز پیکار قهرمانانه، پیروز و قدرتمند بیرون آمده و در نتیجه، مبارزات انقلابی نیز بعدی گسترده تر یافت. کانون دیگر به تنها سازمان ملی - انقلابی ترکمنستان ایران تبدیل شده بود، حیظه عمل آن سراسر منطقه را در بر میگرفت. رژیم خمینی کوچکترین پایگاهی در منطقه نداشت.

و پاسداران سرکوبگر جرئت پای نهادن به ترکمنستان ایران را نداشتند. چنین بود که مسئله حاکمیت دوگانه که در اوایل پیروزی انقلاب در منطقه بوجود آمده بود، به نفع حاکمیت شورایی خلق ترکمن - ولو بطور موقت - حل شد. تثبیت و تحکیم حاکمیت شورایی، حکم تضعیف رژیم خمینی را داشت. طبیعی بود که این دو قدرت میبایست دیگر بار به ناکزیر در نقطه ای با هم تلاقی کرده و یکی دیگری را از سر راه بر میداشت. رژیم خمینی برای این زمان لحظه شماری میکرد.

مانطوریکه در بیانیه اعلام استقلال کانون آمده است، "در جریان جنگ تحمیلی اول رژیم بر خلق ترکمن درگتبد و بویژه در مرحله بعد از جنگ، حضور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعلت وجود زمینه های مساعد در منطقه افزایش یافت و عملاً سرنوشت جنبش ملی خلق ترکمن با سرنوشت این سازمان گره خورد." بگونه ای که بتدریج کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به شاخه ای از تشکیلات این سازمان تبدیل شده و عملاً رهبری جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن بدست سازمان چریکهای فدایی خلق افتاده و سرنوشت آن تابع نوسانات ایدئولوژیک - سیاسی این سازمان گردید. اکنون بجاست که عملکرد این سازمان و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در طول حاکمیت یکساله در منطقه بررسی شده و پیوند غیر اصولی و مطیعانه کانون از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، مورد ارزیابی قرار گیرد.

مسئله ملی و فرهنگی: یکی از خواست های اساسی خلق ترکمن ده سالیان متعاد

در راه آن مبارزات خونینی را پیش برده است، مسئله حق تعیین سرنوشت این خلق بدست خویش است. هرچند خلق ترکمن هنوز به حقوق حقه و طبیعی خود دست نیافته است، لذا هرگز در فعالیتهای سیاسی شوم و ضد خلقی رژیمها وقت سر تسلیم فرود نیاورده و علیه بی عدالتی های ملی و طبقاتی قهرمانانسه پیکار نموده است. این خلق تنها از طریق این مبارزات پیگیر موفق شده است که از فرهنگ مادی و معنوی، گذشته تاریخی و سرزمین آب و آبی و اجدادی خویش، حراست نموده و به سیاست خشن مستحیل شدن در ملت حاکم تن در ندهد. خلق ترکمن سوا از بزرگی و کوچکی خود همیشه به این اصل معتقد بوده است که "برای خود وجود داشته باشد و طبق طبیعت خویش زندگی کند." با در نظر داشتن این امر بود که این خلق با طرح خواست های ملی و طبقاتی خویش فعالانسه در انقلاب شرکت نمود. طبیعی بود که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن نیز با توجه به این خواستهای مشخص خلق خود، در عرصه خواستهای ملی و فرهنگی، انجام وظایف زیرین را مدنظر گیرد:

- ۱- احیاء ادبیات و زبان اصیل ترکمنی.
- ۲- انتشار نشریات بزبان ترکمنی و زنده کردن آثار کلاسیک خلق ترکمن.
- ۳- بوجود آوردن الفبای ترکمنی بر مبنای الفبای فارسی - عربی.
- ۴- آموزش الفبای ترکمنی به کودکان و نوجوانان و سایر علاقمندان.
- ۵- احیاء و شناساندن فرهنگ، هنر و موسیقی اصیل ترکمنی.
- ۶- تحقیق درباره فولکلور خلق ترکمن.

بمناسبت بیست و ...

۷- ترتیب دادن برنامه های ادبی و تئاتر و کنسرت در مناطق ترکمن نشین .
۸- مطالعه و بررسی تاریخ خلق ترکمن^(۳) این وظایف که عمدتاً خواست های مشخص، فرهنگی خلق ترکمن را دربر می گرفتند، سعی شد از طرف کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن در طول حاکمیت یک ساله آن پیش برده شوند. ایجاد کمیته های هنری و فولکلوریک، انتشار نشریه های گویجی بزبانهای ترکمنی و فارسی، گشایش کلاسهای جهت آموزش الفبای ترکمنی در شهرهای مختلف منطقه، ایجاد بیش از ۱۲۰ کتابخانه محلی در محلات شهرها و روستاهای مختلف، تشکیل نمایشگاهها و نمایش فیلمهای گوناگون، برگزاری شبهای شعور و موسیقی، برگزاری کنسرتهایی با شرکت نوازندگان و خوانندگان دیگر خلقها، اجرای برنامه های تئاتری و ایجاد کلاسهای آموزش موسیقی اصیل ترکمنی و غیره، گامهای بزرگی در جهت عملی ساختن این وظایف بودند .
مبارزین ترکمن و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با وقوف به این امر که خواست ملی صرفاً در احیای فرهنگ و آداب و سنن خلاصه نمی گردد و توقف در این حد چیزی جز مسخ نمودن مبارزات ملی و مخدوش نمودن صبندی درونی خلق نیست، بدرستی اقدام به انتشار خواستهای اساسی خلق ترکمن بتاریخ ۵۸/۱/۱۵ به امضای ستاد مرکزی شورا- ترکمنصحرانمودند. اما این طرح فقط زدن آثار شوم فرهنگی و برهمن زدن تقسیمات جغرافیایی رژیم سابق و خواست-

های مشخص، صنفی و سیاسی خلق ترکمن را در بر میگرفت . در این طرح نه از خود مختاری خلق ترکمن و نه از رابطه دولت مرکزی با منطقه خود مختار سخنی به میان آمده . و فقط به این جملات کلی اکتفا شده بود: "خلق ترکمن باید خود در تعیین سرنوشت خود اقدام کند و در چهار چوب ایرانی آزاد و یکپارچه باید بطور کامل از آزادیهای فرهنگی، مذهبی و دیگر آزادیها برخوردار باشد"^(۴) این طرح هنوز از خواستهای ملی- سیاسی خلق ترکمن فاصله زیادی داشت .
صرح بعدی در تابستان سال ۱۳۵۸ با امضای کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن ارائه گردید که مشتمل بر ۱۲ ماده بود . این طرح که از لحاظ تاریخی و سیاسی حائز اهمیت بود، در قیاس با صرح قبلی گامی بزرگ جلو محسوب میشد . در این طرح نه تنها برای نخستین بار مسئله خود مختاری خلق ترکمن مطرح شده و چهار چوب کلی آن تعیین گردیده بود، بلکه در آن شکل حکومت مرکزی نیز پیشنهاد شده و اعلام گردید: "ما فقط به سرنوشت خود در ایرانی متحد و یکپارچه می اندیشیم و اطمینان داریم که فقط با خود مختاری تمامی خلقهای ایران تحت یک نظام فدرال و دمکراتیک آزادی ما تأمین خواهد شد."^(۵) علیرغم کلی بودن این طرح، کانون فرهنگی- سیاسی خلق ترکمن این افتخار را دارد که برای اولین بار آرمان دیرینه مبارزین ترکمن و خواستهای ملی خلق ترکمن را تدوین و آنرا بصورت طرحی جامع ارائه دهد . و این درست در شرایطی بود که سازمان چریکهای فدایی خلق سخن از خواست-

های "فرهنگی و مذهبی" میراند و توده های مردم در سراسر ترکمنستان ایسران با مشت های گره کرده شعار: "یا آلا رشر" یا اوله رشر، آختر خود موختار بولا رشر" (یا خود مختاری یا مرگ) سر میدادند . تن دادن سازمان چریکهای فدایی به طرح جدید نیز ناشی از فشاری بود که از طرف انقلابیون ترکمن و هم از طرف توده های مردم متوجه این سازمان شده بود . اگر سازمان چریکهای فدایی خلق عمق مسئله ملی خلق ترکمن را درک کرده و به ارتباط دیالکتیکی آن با مسئله طبقاتی پی برده بود، فرصت تاریخی ایجاد حکومت خود مختار ترکمنستان ایسران را چنان لاقیدانه از دست نمیداد . در حالیکه طرح فوق با پشتیبانی تمامی شوراهای روستایی و شهری و دیگر تشکلهای دمکراتیک مواجه شده و شعار "خود مختاری بدست شوراهای مردمی"^(۶) به شعاری فراگیر مبدل شده بود، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مسئله ملی را تنها به عنوان "گرایشاتی در مبارزات این خلق تلقی کرده و اعلام میداشت که: "مبارزات خلق ترکمن از آغاز آن جنبه طبقاتی داشته و از زمان سرکوب رژیم جدید در فروردین ماه و جنگ تحمیلی کنبد گرایشات ملی نیز ابعاد تازه ای یافت و به صورتی غیر غالب در مبارزات زحمتکش جای خود را هر چه بیشتر باز نمود."^(۷) حرکت از این نقطه نظر و برداشت سازمان چریکهای فدایی خلق از مسئله ملی و برخورد کاملاً مکانیکی آن بمسئله طبقاتی بود که مسئله خود مختاری خلق ترکمن هرگز جایی در مذاکرات این سازمان با رژیم خمینی نداشت . آنچه که جایگزین بقیه در صفحه ۱۴

بهناسبت بیست و . . .

مسئله خود مختاری شده بود، مسئله ارضی بود که خود از یکسو جزء لاینفک مسئله ملی بوده و بدون این مسئله نمی توانست مطرح شود. از سوی دیگر، حل مسئله ارضی در سمل بوسیله ستاد مرکزی شوراهای روستا - یی و اتحادیه ها و شوراهای بشیوه ای انقلابی و رادیکال پیش برده میشد. گشودن باب مذاکره با جمهوری اسلامی در این مورد مفهومی جز رسمیت بخشیدن بسه دخالت رژیم در مسئله ارضی که از موضع بورژوا - ملاکان و غاصبین دفاع میکرد، نبوده و هدفی جز بدست فراموشی سپردن صبیعی ترین و همگانی ترین خواست مردم یعنی حق تعیین سرنوشت دنبال نمیکرد. هر چند رژیم خمینی بنابه خصلت ضد خلقی و ضد انقلابی خود نمی توانست بیار و توان حل مسئله ملی خلقی را داشته باشد و یا طرفدار حل آن باشد، ولی طرح مسئله خود مختاری از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق که رهبری کانون و ستاد را در دست داشت، وظیفه ای غیر قابل اغماض بود. شرایط نیز از هر جهت به نفع طرح قاطع این مسئله بود. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، در عرصه گسترش مناسبات برادرانه با دیگر خلقهای تحت ستم ایران نیز گامهای اساسی طی سالهای ۵۷ و ۵۸ برداشته بود. مشارکت در ایجاد شورای همبستگی خلقها، محکوم و اعتراف کردن به یورشهای خونین رژیم به خلق کرد و عرب، از طریق برپایی تظاهرات گسترده در منطقه، اعلام هفته وحدت با خلق کرد^(۸)، رهبری و سازماندهی تظاهرات گسترده در تمامی شهرهای منطقه جهت محکوم نمودن قان

قانون اساسی دست پخت مجلس خیرگان، بدلیل مضمون ارتجاعی و عدم رعایت حقوق خلقها در آن^(۹)، برگزاری جشنواره های موسیقی خلقها و اختصاص کلیه درآمد آن به خلق کرد و غیره، نمونه های درخشان همبستگی خلق ترکمن با دیگر خلقهای تحت ستم ایران بودند.

مسئله ارضی: بزرگترین دستاوردینگ

ساله حاکمیت شورایی کانون را میتوان در زمینه حل مسئله ارضی دانست. اساس برنامه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن - صحرا را در مورد مسئله ارضی شعار زمین، از آن کسانی است که روی آن کار میکنند تشکیل میداد. این شعار که سنگ پایه سیاست ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در رابطه با مسئله ارضی بود، از یک سو بیانگر مضمون اساسی برنامه ارضی ای بود که حل بنیادین مسئله ارضی بفتح افشار زحمتکش روستاهای منطقه و صادره زمین های غصبی بورژوا - ملاکان و مالکین بزرگ را هدف قرار داده بود؛ و از سوی دیگر نیز ریشه در فرهنگ و گذشته تاریخی خلق ترکمن داشت که سپردن تمامی زمینهای صادره شده بدست شوراهای مردمی را مدنظر داشت.

این شعار بزودی با توجه به فراهم بودن زمینه های عینی و ذهنی آن، مورد پذیرش وسیعترین افشار زحمتکش روستاها و شهرها قرار گرفته به نیروی مادی عظیمی تبدیل شد. بگونه ای که تا پائیز سال ۵۸ در سراسر ترکمنستان ایران قریب به ۴۰۰ شورای روستایی ایجاد شده و اداره زمینهای صادره شده و امور روستاها را به عهده گرفتند. بموازات گسترش شوراهای

و صادره زمینهای غصبی و بهمنراه آن صادره ماشین آلات کشاورزی غاصبین، از یکسو توطئه های خلع یدشدگان بسا نعمایت و دخالت مستقیم رژیم خمینی افزایش یافت و از سوی دیگر نیز پیچیدگی و مشکلات اداره امور روستاها و زمینهای صادره شده، ضرورت شکل یابی و مبارزه مشکلترا ایجاد میکرد. با توجه بسه این ضرورتها بود که اتحادیه های منطقه ای، که تعداد شوراهای عضو در آنها بستگی به فواصل روستاها و ضوابط جغرافیایی داشت شکل گرفتند. بعد از مدت کوتاهی نیز با عضویت ۲۰ اتحادیه منطقه ای، اتحادیه سراسری شوراهای ترکمن صحرا تشکیل گردید.

بدینسان کیفیتی نوین از شکل روستا - ییان در منطقه بوجود آمد که نه تنها تا آن تاریخ در خود ترکمنستان ایران بیسابقه بود، بلکه بحق میتوان ادعا داشت که تا آن زمان مبارزات دهقانان و زحمتکش روستاهای سراسر کشور نیز باین سطح از شکل و رمزنگاری ارتقاء نیافته بود. طبیعی است که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، باین دستاوردها بدون مقاومت بورژوا - ملاکان بومی و غیربومی و رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه دست نیافته بودند. این دستاوردهای بزرگ راه خود را با جانبازی بیدریغ و کار شبانه روزی فرزندان راستین خلق ترکمن و از میان آتش و خون دو جنگ تحمیلی رژیم خمینی باز کرده بودند.

علیرغم وجود اینهمه دستاورد تاریخی در عرصه مسئله ارضی و دهقانی، این عرصه نیز بیری از اشتباهات و لغزشها بقیه در صفحه ۱۵

بهناسبت بیست و ...

نبوده است. یکی از عمدترین این اشتباهات عدم درک خصلت دو گانه مسئله ارضی و ارتباط تنگاتنگ آن با مسئله ملی در ترکمنستان ایران بود. این درک نادرست، سازمان چریکهای فدایی خلق را بر آن داشت تا به مسئله ارضی همانند مسئله ای صرفاً طبقاتی برخورد بکند. نتایج منفی ای که این درک ببار آورد عبارت بودند از: پنداشتن شوراهای بعنوان ارگان صرف شکل و اعمال قدرت فقط افرادی زمین و کم زمین روستاها، محدود کردن وظایف شوراهای تنها در حد مبارزه علیه بسزرگ مالکان و مسایل صنفی و عمرانی روستاها و سلب تدریجی وظیفه پیشبرد مبارزه ملی از آنها، بی توجهی به عدم قطببندی کامل طبقاتی در روستاهای منطقه بدلیل وجود عنصر ملی و وجود بقایای عنصر اساسی سیستم ارباب - رعیتی و بی توجهی بتأثیر این دو عامل در تمایل به وحدت اقشار و طبقات مختلف در روستاها علیه بورژوا - ملاکان و غاصبین زمین.

یکی دیگر از اشتباهات، عدم تعیین حدود مالکیت ارضی با توجه به مرغوبیت و نوع زمین و غیره بهنگام صادره اراضی بود. در این رابطه شعار "زمین از آن سانی است که روی آن کار میکنند" هر چند فی نفسه شعاری درست بوده و هست، ولی لازمه پیاده نمودن آن مستلزم تعریف دقیق این شعار و توضیح مضمون آن به دهقانان و توجه به خصوصیات و شرایط منطقه بود. طرح کلی این شعار باعث میشد، خرده مالکینی که بغیر از کار خود بر روی زمین از نیروی کار مزد بگیران روستاها نیز هنگام کاشت و برداشت محصول

استفاده میکردند و نیز زمینداران متوسطی که در موضع موافق با کانون و ستاد شوراهای قرار داشتند، بتدریج به این نهادها بدبین شده و سیاست دوری از آنها را برگزیده و به تبلیغ علیه آنها پیردازنند. دوری این اقشار از سیاستهای کانون و ستاد تأثیر مخرب خود را در کاهش قدرت بسیجنده کانون در جریان جنگ دوم و بعد از آن، در مقاومت خلق علیه رژیم خمینی بر جای گذاشت. آنچه که یسازمان انقلابی بویژه سازمانی توده ای، چون کانون، در هر لحظه از فعالیتش میبایست در نظر داشته باشد، نه صرفاً طرح شعارهای انقلابی بلکه نحوه مادیت بخشیدن به آنها با توجه به خصوصیات و ویژگیهای ملی خلق و تحلیل دقیق طبقاتی جامعه، مورد نظر و دوری و نزدیکی این طبقات و اقشار از یکدیگر و مدنظر قرار دادن مرحله انقلاب و وظایف اساسی این دوره است. عدم وجود برنامه ای مشخص و تدوین شده در رابطه با یکی از اساسیترین مسایل ترکمنصحرا، یعنی مسئله ارضی، که میبایست بیانگر وجوه اساسی سیاستهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن - صحرامی بود، یکی از نقاط ضعف عمده سازمان چریکهای فدایی خلق بود. این سازمان نه فقط در زمینه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران، بلکه در رابطه با مسائل اساسی جامعه ایران منجمله مرحله انقلاب و وظایف این سازمان در این مقطع نیز دارای هیچگونه برنامه مدونی نبود.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در دوره حاکمیت یکساله خود دستاورد - درخور افتخاری در عرصه های دیگر نیز مانند: ایجاد کانون زنان و فعال کردن

زنان در مسایل جاری جامعه، خلع یسد کامل از اربابان دریا و سپردن امور صید و صیادی بدست خودصیادان، ایجاد کانونهای معلمین و مهندسین و تشکیل سندیکاها و شوراهای کارگری در دارخانجات صنعتی منطقه و ... داشت. کوتاه سخن، سیاست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در دوره حاکمیت شورایی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمنصحرا، در جهت کاستن از نقش کانون و ستاد و نشان دادن این سازمان بجای آیند و نهاد توده ای سیر میکرد. تا جائیکه در اواخر سال ۵۸ بسیاری از وظایف کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به سازمان پیشگام محول شده و کانون و ستاد به زائنده تکنیکالسی سازمان چریکهای فدایی خلق مبدل شده بودند. همچنین عضویت و مبارزه در کانون و ستاد منوط به پذیرش خط مشی این سازمان شده و بسیاری از افرادی که نمیتوانستند خط مشی سازمان را بپذیرند، از مبارزه برای حق تعیین سرنوشت خلق خویش محروم شده بودند. سیاست درست در آن شرایط میبایست این میبود که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بعنوان ارگان حزبی حاکمیت شورایی و ستاد مرکزی شوراهای ترکمنصحرا بعنوان ارگان اجرا - یی این حاکمیت خود را تثبیت میکردند. با توجه به این خط مشی سازمان چریکهای فدایی خلق بود که آینده کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بعنوان سازمان ملی - انقلابی خلق ترکمن، در این دوره در پرده ای از ابهام قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۱۶

زمین از آن کسانیست که روی آن کار میکنند

بمناسبت بیست و

دوره دو ساله فعالیت نیمه علنی کانون که با جنگ تحمیلی رژیم در گنبد آغاز شده بود، یکی از بحرانیترین دوره های حیات کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بود. در این دوره از یکسو، بازسازی تشکیلات و جبران ضربات وارده رژیم طی جنگ تحمیلی دوم، که ابعاد فاجعه آمیز داشت و نیز گذار از فعالیت علنی به مرحله نیمه علنی و مخفی، فرا روی کانون قرار داشت؛ از سوی دیگر مسئله حفظ دستاوردهای انقلابی خلق ترکمن و دفاع از موجودیت شوراها و دفع حملات بورژوا - ملاکان به این دستاوردها، مسئله آحاد حیاتی برای کانون بود. این وظایف خطیر و حیاتی در آن دوره، در شرایطی که بخشی از رهبری و کادرهای کانون بیرحمانه اعدام و ترور شده و یا در زندانهای رژیم بسر میبردند و بخشی دیگر نیز تحت پیگرد های پلیسی رژیم و ایادی غاصبان زمین قرار داشتند، میبایست پیش برده میشدند. این وظایف سنگین با کارآیی و دار شبانه روزی کانون و در برخوردی منطقی با روحیه شکست در میان توده های مردم و هواداران این سازمان پیش برده می شد. طی چند ماه تلاش، تشکیلات کانون و شوراها و دیگر تشکلهای مردمی بازسازی شده و با کیفیتی نوین از سازماندهی بروال نسبتا عادی خسود سازمان گشتند. در این رابطه برگزاری کنگره های یازدهم و دوازدهم اتحادیه سراسری ترکمنصحرا، در یکی از روستاهای منطقه مؤید این امر بوده و موفقیتی بزرگ محسوب میشود.

در چنین شرایطی بود که در دوران

سازمان چریکهای فدایی خلق انشعابی روی داد و این سازمان را به "اقلیت" و "اکثریت" تقسیم نمود. با این انشعاب روند آتی جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن نیز بدلیل وابستگی این جنبش به این سازمان، از مسیر اصلی خود منحرف گردید. در این میان جریان موسوم به "اکثریت" موفق شد با استفاده از دید درست رهبری کانون در مرز بندی قاطع با مثنی چریکی، بهره گیری از کم تجربگی، ضعف تفویک و روحیه بعد از شکست در هواداران کانون، استفاده از تراکم کار عملی بیش از اندازه کادرهای کانون که مبنای برای مباحث و کار تفویک باقی نمیگذاشت، کانون را قبضه کرده و تشکیلات آنرا بدنبال خود بکشد. نقش کادرهای وارداتی سازمان چریکهای فدایی خلق نیز، که تماما به "اکثریت" پیوسته بودند از یکسو، و از سوی دیگر ناروشنی خلط مثنی جریان "اقلیت" و ضعف بنیانهای تفویک این جریان و حرکت آن در عرصه سیاسی و در گرهیترین مسایل انقلاب از موضح صرفا نفی، در این ارتباط اهمیت خاص خود را داشتند. در مقطع ایمن انشعاب سیاست درست برای کانون نمیبایست این میبود که با انتخاب ترجیحی - که از لحاظ متدولوژیک نیز صحیح نبود - بدنبال یکی از این جریانها کشیده شده و دوباره خود را تابع نوسانات ایدئولوژیک - سیاسی یکی از این جریانها میکرد و سرنوشت جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن را بدست آنها میسپرد. رهبری کانون مؤظف بسود که با ارزیابی دقیق مسائل حادث شده، برخورد جدی به اشتباهات گذشته، تعمق و تأمل در

اطراف نقش سازمان چریکهای فدایی خلق در منطقه و نیز تحلیل علمی اوضاع جامعه، صف کانون را از هر دو جریان جدا کرده و استقلال آن را اعلام می نمود. بدینسان جریانی بنام سازمان فدائیان خلق (اکثریت) که با "سازمان چریکهای فدایی خلق" تفاوت کیفی عظیمی داشت و از این لحاظ با این سازمان کاملاً متضاد بود، رهبری کانون را بدست گرفت. اگر سازمان چریکهای فدایی خلق "در برابر اقدامات ضد دمکراتیک رژیم میایستاد، عملکردهای ارتجاعی و سرکوبگرانه خمینی و روحانیت پیرو او را قاطعانه افشا و با آنها مقابله میکرد" (۱۰) و فعالیت ایمن سازمان "اساساً بر دمکراتیسم پیگیر، بر اقدامات مستقل توده ای متکی بود و از شوراها مستقل توده ها پیگیرانه دفاع میکرد" (۱۱) و در مقابل، مضمون اساسی خط مشی سازمان فدائیان (اکثریت) را دفاع آتشین از حاکمیت ارتجاعی و پیروان ولایت فقیه موسوم به "خط امام"، تخلفات جنبشهایی که در تضاد آشتی ناپذیر با این خط بودند و بویژه جنبشهای عادلانه و حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران، تقابل با همه نیروهای مترقی و انقلابی نه با جمهوری اسلامی مبارزه میکردند، تبلیغ این توهم که گویا پیروان ولایت فقیه انقلابیون دمکراتی هستند که در راستای پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک و در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به رهبری خمینی حرکت می کنند و در کل حرکت در جهت تحلیم و تثبیت و شکوفایی جمهوری اسلامی و تشکیل میداد.

اکنون برای رهبری اپورتونیست بقیه در صفحه ۱۷

بهناسبت بیست و . . .

"اکثریت" بهترین امان بدست آمده بود تا به پیروی از خط مشی اپورتونیستی حزب توده، دست در دست سرکوبگران خلق ترکمن و قاتلان شریفترین فرزندان این خلق در راستای "تثبیت و تحکیم رژیم فزون وسطایی خمینی، در منطقه گام بردارد. مصادره زمینهای بورژوا-ملاکان جای خود را به دفاع از بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی رژیم داد؛ شعار "خود مختاری بدست شوراهای مردمی" به یک باره از صفحات نشریات کانون و اتحادیه سراسری، به همراه خود این نشریات رخت بر بست؛ مبارزه شوراهای بتدریج در مجرای "قانونی" طومار نویسی، نامه به امام و غیره انداخته شده و اعضای آن به برقراری حسن رابطه با انواع و اقسام کمیته های اسلامی، جهاد و حتی سپاه پاسداران تشویق میشوند. تحت پوشش اولسویت مبارزات "ضد امپریالیستی" و تابع بودن کل از جزء، خلق ترکمن تشویق به پیوستن به "مبارزات" حزب الهی ها و ادغام و شرکت در تظاهرات و راه پیمایی های ارگانهای سرکوبگر رژیم میشوند؛ سخن کوتاه، سازمان فدائیان خلق (اکثریت)، با تمام نیرو تلاش می ورزید تا مافات جبران کرده و گذشته انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق را با حمایت بیدریغ از رژیم ضد انقلابی ولایت فقیه تلافی کند. ننگ تاریخی همکاری و همدستی سازمان اکثریت با رژیم تاریک اندیش و جنایتکار خمینی، ننگی است ابدی که نه تنها از خاطره نسلی که مستقیماً شاهد انقلاب بهم من بوده زده نخواهد شد، بلکه نسلهای آینده

نیز این خدمت خیانتبار رهبری، اکثریت به سیاهترین و جنایتکارترین رژیم در قرن حاضر کشورمان را هرگز نخواهند بخشید. رهبری اپورتونیست اکثریت امروز نیز با آگاهی بر اینهمه ننگ و ذلت، که خود و رهبران حزب توده بانی آن بوده اند، چشم فرو بسته و اقدامات "سازمان چریکهای فدایی خلق" را در سالهای ۵۸ و ۵۹ بعنوان یکی از "افتخارات" (۱۳) خود قلمداد میکند.

علیرغم اینکه برنامه سازمان اکثریت، تحت عنوان "تحکیم و تثبیت و شکوفایی جمهوری اسلامی"، بدلیل وجود جو ضد رژیم در منطقه با اعتراض و مقاومت مردم روبرو میشود، لذا در اثر همکاری و همیاری نزدیک این سازمان با ارگانهای ضد انقلابی رژیم، شوراهای انقلابی ترکمنستان ایران، بتدریج به شوراهای زرد تبدیل شده و دستاوردهای حاکمیت شورایی رنگ می باخندند. از سوی دیگر از آنجا که سازمان اکثریت ادعای نمایندگی طبقه دارگر ایران را داشت، و این طبقه را به همکاری با فقههای قرون وسطایی دعوت کرده و با تمام توان کوشیده بود آنان را در خدمت تحکیم رژیم ضد کارگری بکار گیرد، بعد از رانده شدن بنده صف اپوزیسیون، مروری بر گذشته خویش کرده و از همکاری خود با رژیم جنایتکار خمینی چنین "انتقاد" میکند: "خط مشی و برنامه ما در سالهای ۶۰ و ۶۱ در جهت خلاف روند عینی رویدادها بوده است. این خط مشی و سیاست انحراف براسست از سیاست مستقل طبقه کارگر بوده است" (۱۳). کانون فرهنگی - سیاسی خلق

ترکمن معتقد بوده و هست که داشتن ارتباط تنگاتنگ با جنبش سراسری طبقه کارگر، امری حیاتی برای جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن است، در این دوره با توجه به این "انحراف" سازمان اکثریت، نه تنها از تأمین ارتباط خود با جنبش، واقعی طبقه کارگر ایران محروم گردید، بلکه در عرصه مناسبات برادرانه با دیگر خلقهای تحت ستم ایران نیز تمام دستاوردهایی که قبل از سال ۵۹ در عرصه همبستگی با دیگر خلقها کسب کرده بود، بتدریج از بین رفتند و خلق ترکمن نتوانست نقش شایسته خود را در رزم خلقهای تحت ستم ایران ایفا کند.

بدین ترتیب این دوره نیز، با تمامی بغرنجی های خود، با اعلام غیر قانونی بودن فعالیت سازمان اکثریت و حزب توده و رانده شدن اجباری ایند و نیرو به صف اپوزیسیون از طرف جمهوری اسلامی، علیرغم میل آنها، بسر رسید و دوره فعالیت کاملاً منفی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن نیز آغاز گردید.

در این دوره، تشکیلات کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، عمدتاً در تشکیلات سازمان اکثریت استحاله یافته و به زائده تشکیلاتی این سازمان در منطقه مبدل شده بود. تعدادی دیگر از انقلابیون ترکمن نیز بخاطر عدم پذیرش خط مشی "اکثریت"، در ارتباط با گروههای دیگر فعالیت میکردند.

رژیم قرون وسطایی خمینی که در دوره حاکمیت شورایی خلق ترکمن از کوچکترین پایگاه در ترکمنستان ایران نیز بی بهره بقیه در صفحه ۱۸

بهناسبت بیست و ...

بود، اکنون توانسته بود با بهره‌گیری از سیاست اپورتونیستی سازمان اکثریت طی سالهای ۶۱-۱۳۵۹، حیظه نفوذ خود را حتی تا دورترین نقاط منطقه بگستراند و حضور خود را بپراحتی "تحکیم و تثبیت" سازد. این سیاست رهبری "اکثریت" در قبال رژیم جنایتکار خمینی، نه تنها ضربه بزرگی به جنبش چپ در ایران بود و به اعتبار و حیثیت این جنبش لطمات جبران ناپذیری وارد ساخته بود، بلکه مکمل ضربات وارده ناشی از سیاست خیانتبار حزب توده به جنبش چپ در مجموع بوده است. تاریخ مبارزاتی خلقها هرگز شاهد چنین رسوایی سازمانهای مدعی "ماکسیسم-لنینیسم" نبوده است. تحت لوای "ماکسیسم-لنینیسم" به قبال ارتجاعی‌ترین و خونخوارترین فقها در آمله لکه ننگی است نازدونی بر دامنه "اکثریت" و حزب توده. سازمان اکثریت نه تنها منافع طبقه کارگر ایران، بلکه منافع طبیعی و حقوق حقه خلقهای تحت ستم ایران، منجمله خلق ترکمن را چنین گستاخانه در پای فقهای قرون وسطایی فریانی کرده بود. اکنون که رژیم راه در ترکمنستان ایران را باز و هوار و بدون مانع می‌دید می‌توانست انقلابیون این منطقه را به قاصر بکشد. رژیم همزمان با گسترش دامنه عمل و فعالیت خود در میان توده مردم، به پیگرد و شکار انقلابیون ترکمن پرداخت. بورژوا-ملاکان و ایادی رژیم مناسبترین فرصت جهت غضب مجدد زمینهای منطقه و نابودی دستاورد های حاکمیت شورایی خلق را چنگ آورده بودند. اما علیرغم اینهمه تلاشهای ضد

مردمی رژیم خمینی و بورژوا-ملاکان، دستاورد های دوره حاکمیت شورایی هنوز در معرض نابودی جدی قرار نگرفته بود. دلیل این امر از یکسو عملکرد آن سنن انقلابی و روحیه مبارزه جویی خلق ترکمن و نتیجه کار عظیم مبارزین ترکمن در دوران حاکمیت شورایی بود که تأثیر زرفی در رشد افکار مردم برجای گذاشته بود؛ از سوی دیگر ایستادگی انقلابیون ترکمن و تسلیم نشدن آنها در مقابل روحیه انفعال و سرخوردگی بعد از شکست و حضور آنان در بین خلق خود، عامل مهمی در حفظ دستاورد های انقلابی بود. درست همین پایبندی به منافع توده های خلق و تجارب کار عظیم توده ای در دوره برقراری حاکمیت شورایی در ترکمنستان ایران و درک ضروریات جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن بود که انقلابیون ترکمن را به چاره جویی در مورد علل شکست و راه برون رفت از بحران و تفرقه در صفوف انقلابیون، و امید داشت بررسی روند تاریخی و مبارزاتی جنبش خلق ترکمن در ادوار مختلف، بخصوص در سده اخیر، یافتن آن حلقه اصلی که باعث تسلسل مبارزات خلق ترکمن، علیرغم اشکال مختلف بروز آن در زمانهای مختلف از نسلی به نسل دیگر شده بود، درک رابطه مبارزات ملی با مبارزات طبقاتی، چگونگی عملکرد دیالکتیکی هر یک از این دو عنصر غیرقابل تفکیک در زمان اعتلای جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن از یکسو، از سوی دیگر، درک رابطه دیالکتیکی جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن با جنبش انقلابی سراسری، بویژه با جنبش طبقه کارگر ایران، چگونگی

پیوند اصولی آن با این جنبش، و یافتن جایگاه اصلی جنبش خلق ترکمن در جنبش انقلابی سراسری، از اهم مسائلی بودند که در رابطه با جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن و در رابطه با انقلاب ایران باید بدانها پاسخ داده میشد. در عرصه تشکیلاتی نیز، تأمین استقلال کانون و احیاء و تحکیم آن پیشروی انقلابیون ترکمن قرار داشت. مجموعه این وظایف در شرایطی پیش برده میشدند که، از یکسو عده ای از بنیانگذاران و کادرهای کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن مجبور به مهاجرت به کشورهای مختلف شده و عده ای دیگر نیز در داخل کشور دائما مورد شدیدترین پیگرد های رژیم خمینی بودند. از سوی دیگر تعلقات تشکیلاتی متفاوت انقلابیون ترکمن و پراکندگی آنها بر مشکلات موجود می‌افزود. جهت ارتباط و کار مشترک برای حل مسایل فوق، علاوه بر مشکلات یاد شده، زدودن آن بدبینی‌ها و جتسی کینه ورزیه‌ها که محلول اختلافات بین گروههای سیاسی کشور و بخاطر تعلقات تشکیلاتی انقلابیون ترکمن به سازمانهای سیاسی گوناگون بود، از یکطرف و از طرف دیگر اختلافات ریشه ای بین انقلابیون چپ و عناصر دمکراتیکی که بدلیل دیدگاههای خود نمیتوانستند مبارزه در راستای دیدگاه بخصوص در صف جریان خاصی را بپذیرند و بخاطر همین دیدگاه متفاوت از مبارزه در راه حق تحمیل سرنوشت خلق خویش بوسیله جریانهای مسلط بر کانون در گذشته، محروم شده بودند، فرآوری کانون قرار داشت.

بهناسبت بیست و ...

سازمان فدائیان خلق (اکثریت)، بویژه عناصری از رهبری جناح چپ این سازمان که "مسئولیت" کانون و منطقه را یدک می‌کشیدند، همواره از موضوع سوسیال - شوونیستی نسبت به کانسون و وحدت مبارزین ترکمن برخوردار کرده و بزرگترین موانع را در پیشبرد وظایف فوق بوجود می‌آوردند. حتی وظیفه "وحدت همه جانبه" این سازمان با حزب توده که یکی از عاجلترین وظایف این سازمان قلمداد میشد، عرصه وحدت انقلابیون ترکمن را که در صفوف آیند و جریبان بودند، دربر نمیگرفت! سازمان اکثریت با احساس‌دارا بودن حق قیومیت نسبت به خلق ترکمن، حریم کانون فرهنگی - سیاسی را تیول خود پنداشته و فعالین جنبش انقلابی خلق ترکمن را که در راه وحدت مبارزین ترکمن و استقلال همه جانبه کانون پیکار میکردند، بوندیست معرفی میکرد و مبارزه برای حل مسئله ملی را بعنوان مبارزه ای بورژوازی! تخطئه میکرد. سخن کوتاه، تلاش در جهت احیا و استقلال تشکیلاتی کانون و تأمین پیوند اصولی جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن با جنبش طبقه کارگر ایران و پای فشردن به منافع خلق خود از نظر این سازمان از گناهان کبیره بشمار می‌آید.

علیرغم چنین سیاست سوسیال - شوونیستی "اکثریت" و با وجود عملکرد مشکلات فوق، بالاخره تلاش چندیین ساله بنیانگذاران، کادرها، اعضا و هواداران کانون در راه احیا، انسجام و تحکیم تشکیلات کانون از یکسو و کسب

استقلال این سازمان از سوی دیگر، در نهایت بیار نشست و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در فرخنده روز بیست اردیبهشت ۱۳۶۵، در ۶۳-مین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران، استقلال خود را اعلام کرد. بدینسان انقلابیون ترکمن به خلا ناشی از عدم وجود تشکیلاتی مستقل و رزمنده در جنبش خلق ترکمن فائق آمدند.

ثمرات پربار استقلال کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را میتوان دستیابی به مبانی تئوریک مهم در رابطه با جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن، انتشار موفقیت آمیز ارگان مرکزی کانون، یعنی "ترکمنستان ایران"، تدوین طرح برنامه و اساسنامه کانون، گسترش صفوف مبارزین ترکمن، یافتن جایگاه شایسته مبارزات خلق ترکمن در جنبش انقلابی سراسری کشور و ... نام برد.

زیر نویسها:

- (۱) نمونه آن، حادثه خونین ۱۹ اسفند ۵۷ بندر ترکمن است که طی حمله عناصر مسلح کمیته به مردم بیسدفاع این شهر ۱۳ نفر از ترکمنها زخمی شدند. اما این حمله ناجوانمردانه بجای اینکه مردم شهر را مرعوب و آنها را از طرح خواستهای خود باز دارد، نتیجه عکسداد و خود کمیته این شهر و ژاندمری و شهربانسی بوسیله کانون فرهنگی - سیاسی و مردم شهر خلیج سلاح و اداره شهر بعدت یسسال بدست شورای منتخب مردم افتاد.
- (۲) صادره زمینهای طایبی بسورزا -

- ملاک معروف منطقه بساحت ۲۵۰۰ هکتار در بندر ترکمن و صادره زمینهای غصبی در روستاهای پشمک یولمه و ...
- (۳) از اعلامیه بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به امضای "فرزند راستین خلق ترکمن" بتاریخ بهمن ماه ۱۳۵۷
- (۴) اعلامیه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن - صحرا، تحت عنوان خواستهای خلق ترکمن، معروف به طرح ۸ ماده در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵
- (۵) طرح خودمختاری ۱۲ ماده ام کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن.
- (۶) طرح خودمختاری ۱۲ ماده ای کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن.
- (۷) ایل گوچی دوره اول شماره دوه صفحه ۲۲، تأکید از ما است.
- (۸) اعلام هفته وحدت با خلق کرداز طرف کانون در آبان ماه ۱۳۵۸ و پشتیبانی گسترده خلق ترکمن از آن.
- (۹) از اعلامیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن تحت عنوان "چرا در رفرا ندیم قانون اساسی شرکت نمیکیم؟" بقیه در صفحه ۱۰

گرامی بادخاطره ...

- ۵- رفیق شهید آی محمد آق آتابای
- ۶- رفیق شهید آنین گوگلانی
- ۷- رفیق شهید بهرام یزدانی
- ۸- رفیق شهید اراز محمد بصیری (آرچا)
- ۹- رفیق شهید حمید فرجاد
- ۱۰- رفیق شهید محمد قرینجیک
- ۱۱- رفیق شهید یعقوب کرد
- ۱۲- رفیق شهید ابراهیم ندیمی

گرامی باد خاظرهٔ تابناک شهیدای خلق ترکمن!

- اسامی شهیدای خلق ترکمن در جنت
تحمیلی اول رژیم در گنبد بر خلق ترکمن :
- ۱- رفیق شهید قربان شفیع
 - ۲- رفیق شهید جلیل ارازی
 - ۳- رفیق شهید غفور عمادی
 - ۴- رفیق شهید عطا خانجانی
 - ۵- رفیق شهید عبد الجلیل گوکلانی
 - ۶- رفیق شهید آنا بردی سرافراز
 - ۷- رفیق شهید محمد اراز (بهروز) بهنام
 - ۸- رفیق شهید اراز محمد دردی پور
 - ۹- رفیق شهید حاجی محمد آخوندی
 - ۱۰- رفیق شهید بهرام آق آبی
 - ۱۱- رفیق شهید عبد الله صوفی زاده
 - ۱۲- شهید نور محمد شفیع
 - ۱۳- شهید محمد رادفر
 - ۱۴- شهید حالت قلی رازی
 - ۱۵- شهید بردی محمد کوسه
 - ۱۶- شهید یعقوب اونق
 - ۱۷- شهید قلی قلجایی
 - ۱۸- شهید سبحان بردی آق نیکوایی
 - ۱۹- شهید بهرام محمد جبلی
 - ۲۰- شهید عبد الجلیل برهان
 - ۲۱- شهید پایرام بی بی ملتی و فرزند
شش ماهه او
 - ۲۲- شهید ملا مراد کلته
 - ۲۳- شهید حلیم پرویز
 - ۲۴- شهید نور محمد مختومی
 - ۲۵- شهید محمد فریان (مشدی) گلی خوا^{جه}
 - ۲۶- شهید حیدر قلی ایگدری
 - ۲۷- شهید حاجی خوجه دردی دلشاد
اینچه برونی
- ۲۸- شهید پیغمبر قلی حسین زاده
 - ۲۹- شهید صفر گل خالد زاده
 - ۳۰- شهید عبدی میرزاعلی
 - ۳۱- شهید آنا دوردی حبیبلی (اینچه
برونی)
 - ۳۲- شهید سلیمان معدی
 - ۳۳- شهید بورجو کلته
 - ۳۴- شهید عاشور اسکندر نژاد
 - ۳۵- شهید گلدی محمد دازداری
 - ۳۶- شهید محمد قزلبچه
 - ۳۷- شهید طایچه برومند
 - ۳۸- شهید نور محمد خوجه
 - ۳۹- شهید حکیم شفیع
 - ۴۰- شهید نور محمد قوجقی
 - ۴۱- شهید عبد الحمید کلامی
 - ۴۲- شهید حاجی رحیم دازداری
 - ۴۳- شهید حاجی صنوبری
 - ۴۴- شهید ملنگ گرگی اشترک
- نام شهیدایی که در نهم خرداد ماه سال
۵۸ بوسيلهٔ قدر گرگانی مالک بزرگ روستا
کوچک نظر خانی و سپاه پاسداران خان-
بین بشارات رسیدند :
- ۱- شهید احمد نظر خانی
 - ۲- شهید سالار آق ارککلی
 - ۳- شهید مشهد قلی نظر خانی
- اسامی برخی از شهیدای خلق ترکمن
در جنگ تحمیلی دوم رژیم جنایتکار خمینی
در گنبد :
- ۱- رفیق شهید شیر محمد درخشنده توماج
 - ۲- رفیق شهید عبد الحکیم مختوم
 - ۳- رفیق شهید حاج طواق واحدی
- ۴- رفیق شهید حسین جرجانی
این چهار رفیق از رهبران خلق
ترکمن بودند که یکروز قبل از شروع جنگ
دوم با توطئه ای جیبوانه روده شدند و
و بعد از شکنجه های فراوان بدست
درخیمان رژیم خمینی اعدام شدند .
۵- رفیق شهید عبد الحکیم شهنازی
۶- شهید حاجی نظام الدین
۷- شهید توماجی پور
- اسامی شهیدای خلق ترکمن از سال
۵۹ تا ۶۴ که بدست جلادان خمینی
ناجوانمردانه بعد از اعمال شکنجه های
حیوانی ، اعدام شدند .
۱- رفیق شهید عبد الله قزل
۲- رفیق شهید حالی حالیزاده (آلغثر)
۳- رفیق شهید بیدار
۴- رفیق شهید گرگان بهلکه
بقیه در صفحه ۱۹

کمکهای مالی رسیده:

- ۱- آنا قلیچ از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۲- چاری از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۳- آق اوپلی از آلمان غربی ۱۶۰ مارک
- ۴- نور قولی از آلمان غربی ۱۰۰ مارک
- ۵- آتلی از آلمان غربی ۹۰ مارک
- ۶- اوفسوز از برلین غربی ۵۰ مارک
- ۷- ترکمن از سوئد ۱۴۰ کرون

آدرس در خارج از کشور

PLK

Nr. 117009 C

5000 KÖLN 1

WEST GERMANY

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!